

کارگاههای ریسندگی، بافت پارچه‌های پنبه‌ای، رنگرزی و دباغی صنعت مختصر آنجا را تشکیل می‌دهد (الخوری). جمعیت آشهر در ۱۳۰۷ ق/ ۱۸۹۰ م، ۱۷۰۰۰ تن مسلمان، ۴۰۰۰ تن ارتدکس یونانی و در ۱۳۶۴ ق/ ۱۹۴۵ م جمعیت خود شهر ۸۰۸۸۳ تن بود که همه مسلمان بودند و جمعیت ایالت، که مساحت آن به ۱۱۱۵ کی ۲ می‌رسید، ۴۵۷۹۲ تن بود. جمعیت شهر از ۲۳۲۴۳ تن (در ۱۹۷۵ م) به ۲۵۶۱۱ تن (در ۱۹۸۰ م) افزایش یافته است (سالنامه ترکیه، ۴۸).

ماخذ: ابن بی‌بی، یحیی بن محمد، مختصر سلجوقنامه، به کوشش هوتن، لیدن، ۱۹۰۲ م؛ اسلام آنسکلوبدیس؛ اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، به کوشش عبدالعزیز نوایی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶ ش، ص ۸۵؛ بریتانیکا؛ بسنایی (افراد)؛ الخوری، سلیم جبرائیل و سلیم شحاده، آثار الادهار، بیروت، ۱۸۷۵ - ۱۸۷۶ م؛ دائرة المعارف الاسلامیة، (اول و دوم)؛ زامباور، ادوارد ریتز، معجم الانساب، ترجمه زکی محمدحسن بک و حسن احمد محمود، بیروت، دارالازاد العربی، ۱۴۰۰ ق؛ سعدالدین خواجه محمد، تاج التواریخ، استانبول، ۱۲۷۹ ق؛ سلیمان، احمد سعید، تاریخ الدول الاسلامیة، قاهره، دارالمعارف، بمصر، ۱۹۷۲ م؛ قاموس الاعلام، مشکور، محمدجواد، اخبار سلاجقة روم، تبریز، کتابفروشی تهران، ۱۳۵۰ ش؛ هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، صص ۶۷۵ - ۶۷۶؛ یزدی، شرف‌الدین علی، طفرنامه، به کوشش عصام الدین اورونیایوف، تاشکند، انتشارات فن، ۱۹۷۲ م؛ یورت آنسکلوبدیس؛ نیز: Turkey Yearbook, Ankara, 1983. جعفر شمار

آلِ اَعین، از خاندانهای روایی بنام شیعی از اواخر سده ۱ تا ۴ ق/ ۷ تا ۱۰ م. این خاندان که منسوب به «اعین بن سُنسن» است، از نظر زمانی طولانی‌ترین دوران خدمات علمی را در میان دیگر خاندانهای شیعی ویژه خود ساخته است. افراد آل اعین، کوفی و غالباً در شهر کوفه ساکن بوده‌اند، هرچند بعدها شماری از آنان به نقاط دیگر کوچیده‌اند. ایشان را در کوفه محله‌ای خاص، و نیز در آنجا مسجدی بوده که امام جعفر صادق (ع) نیز در آن نماز خوانده است. این محله تا ۳۳۴ ق/ ۹۴۶ م وجود داشته و در این سال بر اثر هجوم قمرطیان بر شیعیان امامی ویران گشته است. خاندان اعین نیز در این تازش آسیب فراوان دیده‌اند (ابو غالب زراری، مقدمه مصحح، ص «د»).

افراد این خاندان از روزگار علی بن حسین (ع) (۳۸ - ۹۴ ق/ ۶۵۸ - ۷۱۲ م) به دوستی با خاندان پیامبر شناخته شده‌اند و برخی از ایشان که محضر آن امام را درک کرده‌اند، به تبخّر در کلام، فقه، حدیث و دیگر شاخه‌های علمی آن روزگار نام‌آور گشته‌اند. پس از آن نوادگان و اخلاف اعین مصاحبت دیگر امامان را برگزیده و گروهی از آنان به مقامات بلند علمی و دینی نایل آمده‌اند. ابو غالب زراری، که خود از این خاندان است، آل اعین را حدود ۶۰ نفر دانسته و چنین شناسانده است: ما از خاندانی هستیم که خداوند بر آن منت نهاد و به دین خود مشرف ساخت و از آغاز تا زمانی که شیعه در بلاها و گرفتاریها افتاد، ما را به مصاحبت اولیای خویش مختص فرمود (صص ۱۲، ۱۸).

چهره‌های مشهور این خاندان عبارتند از:

۱. اَعین بن سُنسن شیانی: اعین یعنی گشاده چشم. پدر وی سنسن یا سنس، راهبی مسیحی در یکی از بلاد روم بود. خود او را که به بردگی

گرفتار شده بود، مردی از بنی شیبان کوفه در شهر حلب خریداری کرد و به کوفه آورد. او سپس مسلمان شد و خواجه‌وی به تربیت اخلاقی و آموزش علمی‌اش همت گماشت. او پس از چندی حافظ قرآن شد و در ادبیات مهارتی یافت و از نظر پرهیزگاری و پاکی اخلاقی نیز مقام بلندی کسب کرد. خواجه او را آزاد کرد، ولی از وی خواست عضویت بنی شیبان را بپذیرد، اما او نپذیرفت، با اینهمه، او و خاندانش به «کوفی شیبانی» شهرت یافتند. برخی گفته‌اند که اعین ایرانی بوده و با علی بن ابی طالب (ع) دیدار کرده و بردست او مسلمان گشته و پس از آن از یاران وی شده است (امین، ۱۰/۲)، ولی رجال شناسان عموماً چنین نظری را تأیید نمی‌کنند. آنچه قطعی می‌نماید این است که اعین و خاندان او، تا آنجا که افراد آن شناخته شده‌اند، جز تنی چند، شیعه بوده‌اند و بسیاری به دوستی و طرفداری از علی (ع) و دیگر امامان شهره‌اند.

۲. زُرارة بن اعین شیبانی: (د ۱۵۰ ق/ ۷۶۷ م)، محدث، فقیه، متکلم، ادیب و نویسنده امامی. او از مشهورترین راویان شیعی و از برجسته‌ترین شاگردان امام صادق (ع) است، با اینهمه، احوال زندگی او چندان روشن نیست. او در علم کلام، جدل و استدلال بسیار توانا بود و غالباً در مقام بحث بر مخالفان خود چیره می‌شد؛ از این رو بسیار مورد توجه امام صادق (ع) و شیعیان بود. او از شاگردان امام محمد باقر (ع) (۵۷ - ۱۱۴ ق/ ۶۷۶ - ۷۳۲ م) بوده و از او روایات بسیاری نقل کرده است. برخی از رجال شناسان زراره را غیر موثق دانسته‌اند و برخی روایات نیز در نکویش وی وارد شده است که به قولی شمار آنها به ۲۰ می‌رسد (بهیانی، ۱۴۲)؛ اما با توجه به جایگاه روشن و مهم زراره نزد امام پنجم و ششم و روایات بسیاری که از سوی آن دو امام و امامان بعدی در مدح و تأیید او وارد شده است و حتی او را راستگوترین فرد زمانش دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۱)، تردیدی در ایمان، دانش، اخلاص، امانت و فقاقت وی باقی نمی‌ماند. نقش زراره در گسترش و احیای معارف اهل بیت تا آنجاست که امام صادق (ع) گفت: خدای زراره را بیمارزد، که اگر وی و همگنان او نبودند، سخنان پدرم از میان رفته بود (ابو غالب زراری، مقدمه مصحح، ص «د»). در حدیث دیگر، امام صادق (ع) آشکارا او را از بهشتیان دانسته است (موسوی اصفهانی، ۳۰۵/۱). باز از آن امام روایت شده است که گفت: ۴ تن نزد من محبوب‌ترند: بُریدین معاویه بَجَلی، محمد بن مسلم، ابوبصیر و زراره (طوسی، ۱۴۲). رجال شناسان عموماً روایات ذمّ زراره را ضعیف و یا ناشی از شرایط خاص سیاسی و تنبیه دانسته‌اند (همانجا). مسأله دیگری که نزد محققان شیعی مورد گفت و گو است، انکار یا تردید او در امر امامت موسی بن جعفر (ع) (۱۲۸ - ۱۸۳ ق/ ۷۴۵ - ۷۹۹ م) است (امین، ۵۳/۷). هرچند این نسبت کاملاً محرز نیست، اما اگر چنین تردیدی نیز در زراره پیدا شده باشد، با توجه به تأییدات امامان و شیعیان بعدی از زراره، جای شک باقی نمی‌ماند که سرانجام او به امامت امام موسی (ع) گردن نهاده است.

سالگی حدیث را فرا گرفت. در ۳۰۰ ق/ ۹۱۲ م جدش در گذشت و پس از آن، او که کمتر از ۲۰ سال داشت، ازدواج کرد. پس از مدتی دارای فرزندی شد که در گذشت. سپس میان وی و همسرش ناسازگاری پدید آمد و آهنگ بغداد کرد و از طریق حسین بن روح، نایب خاص امام غایب (ع) (ز ۲۵۵ ق/ ۸۶۸ م)، از او یاری خواست و او پیام داد که به زودی اختلاف میان وی و همسرش زوده خواهد شد، و چنین شد. در روزگار او قریطیان به کوفه هجوم بردند و محله آل اعین را ویران کردند. در ۳۵۰ ق/ ۹۶۱ م به زیارت کعبه توفیق یافت؛ مدتی در آنجا زیست و به عبادت گذراند. او در ۳۵۶ ق/ ۹۶۷ م رساله فی آل اعین را نوشت و در آن احوال خاندانش را، از آغاز تا انجام، به ایجاز و با ذکر مشایخ روایی و طرق روایات خود گرد آورد و آن را به نوه اش محمد بن عبدالله اهدا کرد، بدین امید که او خاندان فروباشیده اش را به یاد آورد و استمرار حدیث را در سلسله روایان آل اعین ممکن سازد. در ۳۶۷ ق/ ۹۷۷ م از مکه بازگشت و یک سال پس از آن درگذشت و در کوفه به خاک سپرده شد. ابوغالب از نسل بکیر بن اعین بوده، از این رو نیاکان او به بکیری شهرت داشته اند، اما از روزگار امام علی بن محمد (ع) (۲۱۲-۲۵۴ ق/ ۸۲۹-۸۶۸ م) به «زراری» شهرت یافته اند. این شهرت، چنانکه خود او گفته، از زمان جدش سلیمان بن حسن پدید آمده است. دلیل این تغییر عنوان را دو چیز دانسته اند: یکی اینکه مادر حسن بن جهم بن بکیر، نیای بزرگ ابوغالب، دختر عید بن زراره بوده است؛ دیگر اینکه امام عسکری (ع)، احتمالاً به دلیل شرایط و ملاحظات سیاسی، سلیمان فرزند حسن را زراری نامیده است (زراری، ۱۱؛ ابطی، ۳/۳۳۵).

ابوغالب که خود از روایان موثق و کثیر الروایه شمرده شده است، از کسان بسیاری حدیث نقل کرده است. او بنام ترین این مشایخ را در رساله خود ذکر کرده است. نام این افراد بدین شرح است: احمد بن ادریس اشعری (د ۳۰۶ ق/ ۹۱۸ م)، احمد بن محمد بن سعید بن عقبه (د ۳۳۳ ق/ ۹۴۴ م)، احمد بن محمد عاصمی بغدادی، احمد بن محمد ربیع واقفی، جعفر بن محمد بن مالک فزاری بزار، جعفر بن محمد بن لاحق شیبانی، حمید بن زیاد نینوی (د ۳۱۰ ق/ ۹۲۲ م)، عبدالله بن جعفر حمیری، ابوطالب عیدالله بن ابی زید انباری، علی بن حسین سعدآبادی، ابوالحسن علی بن سلیمان (عموی پدرش)، علی بن سلیمان بن مبارک قمی، علی بن محمد بن عیسی بن زیاد تیسری، عمر بن فضل وراق طبری، محمد بن احمد بن داوود (د ۳۷۸ ق/ ۹۸۸ م)، ابو عبدالله محمد ابن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی، محمد بن حسن بن علی بن مهریار اهوازی، محمد بن سلیمان بن حسن (د ۳۰۰ ق/ ۹۱۲ م) (جد ابوغالب)، محمد بن محمد معادی، محمد بن یعقوب کلینی (د ۳۲۹ ق/ ۹۴۰ م) و ابن مُغیره (ابو غالب زراری، ۳۸-۱۰۷). اما کسانی که از ابوغالب روایت کرده اند اینانند: شیخ مفید (د ۴۱۳ ق/ ۱۰۲۲ م)، ابو عبدالله حسین بن عبدالله غضائری (د ۴۱۱ ق/ ۱۰۲۰ م)، ابوالعباس احمد بن علی بن نوح سیرافی، ابن عبدون (د ۴۲۳ ق/ ۱۰۳۱ م)، ابوطالب بن غرور،

گفته اند که زراره دارای تألیفاتی نیز بوده است، اما جز یک کتاب با عنوان الاستطاعة والجبر والعهود (طوسی، ۱۴۳) از او یاد نشده است. ابن بابویه قمی (د ۳۲۹ ق/ ۹۴۱ م) گوید که آن کتاب را دیده است (نامه دانشوران، ۸۳/۹).

برخی ادعا کرده اند که زراره ۹۰ سال زیسته است (همان، ۸۹/۹). این احتمال دور نمی نماید، چه برخی او را از اصحاب امام علی بن حسین (ع) نیز دانسته اند (ابوغالب زراری، ۳). زراره را ۷ فرزند با نامهای: رومی، یحیی، عبدالله، حسن، حسین، محمد و عیید بوده که از روایان شیعی و غالباً از شاگردان امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) بوده اند و از آنان روایت کرده اند. در این میان عیید از اعتبار و شهرت بیش تری برخوردار است؛ چنانکه او را «موثق» شمرده اند. او در کوفه می زیست و از چنان اعتباری برخوردار بود که شیعیان کوفه او را به هنگام نیاز برای ملاقات با امام صادق (ع) و پرسش از آن حضرت به مدینه می فرستادند (همو، ۵).

۳. حُمران (ابوحمزة) بن اعین، فقیه، محدث، نحوی، ادیب و لغت دان. او از شاگردان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بوده و از آن دو روایات بسیاری نقل کرده است و کسان بسیاری از او روایت کرده اند. هر چند برخی از رجال شناسان اهل سنت، به دلیل شیعی بودن حمران، وثاقت او را تأیید نکرده اند، اما رجال شناسان شیعی عموماً او را موثق و مورد اعتماد دانسته اند و حتی برخی او را از زراره نیز موثق تر دانسته اند (امین، ۲۳۴/۶). حمران علم نحو را از ابوالاسود دؤلی آموخته است. هر چند تاریخ مرگ او دانسته نیست، اما قطعی است که او پیش از امام صادق (ع) درگذشته است (ابوغالب زراری، ۴). حمران دارای فرزندان چند بوده است با نامهای: عقبه، حمزه و محمد. اینان از اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و از روایان موثق بوده اند و از آن دو روایات بسیار نقل کرده اند.

۴. بُکیر (ابوجهم) بن اعین، فقیه و محدث. او از روایان موثق و از یاران امام پنجم و امام ششم به شمار آمده و روایات بسیاری از آن دو نقل کرده است، اما به رغم شهرت بسیارش، چیزی بیش از این از احوال او دانسته نیست. بکیر پیش از وفات امام صادق (ع) درگذشته است. وی ۶ پسر داشته که عبارتند از عمر، جهم، زید، عبدالله، عبدالحمید و عبدالاعلی. افراد یاد شده از عالمان و محدثان، و از اصحاب امام صادق (ع) به شمار آمده اند. عبدالله، با اینکه از فقیهان صاحب نظر دانسته شده، فطحی مذهب به شمار آمده است (همو، ۴، ۶).

۵. احمد بن محمد، معروف به ابوغالب زراری (۲۸۵-۳۶۸ ق/ ۸۹۸-۹۷۸ م)، فقیه، محدث، متکلم، ادیب و شاعر. او از عالمان و محدثان بنام آل اعین و آخرین فرد مشهور این خاندان است. وی در کوفه زاده شد. پنج ساله بود که پدرش درگذشت. پس از آن جدش محمد بن سلیمان تربیت او را به عهده گرفت. او پس از فراگیری علوم ابتدایی، دانشهای مختلف را در سطوح عالی نزد عالمان بنام روزگارش آموخت و از تربیت اخلاقی و معنوی آنان بهره برد. در ۱۱

ابوعبدالله احمد بن محمد بن عیاش جوهر (د ۴۰۱ ق / ۱۰۱۰ م) و ابوالفرج محمد بن مظفر (همو، مقدمه مصحح، صص، «د»، «ل»). افراد یاد شده، از مشایخ حدیث شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ق / ۹۹۵ - ۱۰۶۷ م) و احمد بن علی بن احمد نجاشی (۴۵۰ - ۵۲۸ ق / ۱۰۵۸ - ۱۱۳۳ م) هستند. ابوغالب دارای تألیفاتی نیز بوده است که چنین از آنها یاد شده است: کتاب تاریخ که به گفته شیخ طوسی و نجاشی ناتمام است؛ کتاب افضال، کتاب مناسک حج (بزرگ و کوچک)؛ کتاب دعاهای سفر؛ گزیده‌ای از کتاب بضائر الدرجات تألیف سعد بن عبدالله یا اخبار علی بن سلیمان قمی؛ اخبار در روزه؛ اخبار در ظهور؛ خطبه‌ای از پیامبر در روز غدیر؛ خطبه‌های امیرالمؤمنین (ع)؛ مجموعه‌ای از اخبار پراکنده؛ مجموعه‌ای از دعاها و رساله فی آل اعین از ابن آثار، جز رساله آل اعین که به کوشش محمدعلی موحد موسوی اصفهانی در ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۸ م در اصفهان چاپ شده است، چیزی در دست نیست.

مأخذ: ابطنی، محمدعلی، تهذیب المقال، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۹۰ ق؛ ابن ندیم، محمد ابن اسحاق، الفهرست، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۹۸ ق، ص ۳۰۹؛ ابوغالب زراری، احمد، رساله فی آل اعین، به کوشش محمد علی موسوی ابطنی، اصفهان، ۱۳۹۹ ق، ج۱؛ اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ج۲؛ افتدی اصفهانی، عبدالله، ریاض العلماء، به کوشش احمد حسینی و محمود مرعشی، قم، مطبعة الخيام، ۱۴۰۱ ق، ص ۶۲؛ امین، محسن، اعیان النبیة، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ ق، ۲۳۵/۶، ۲۴۷/۷، ۳۹۰، ۹۵۵؛ بحر العلوم، محمد مهدی، رجال، تهران، مکتبه الصادق، ۱۳۶۳ ش، ۲۲۲/۱ - ۲۵۷؛ بهبهانی، محمدباقر، تعلیقات علی منهج المقال، ۱۳۰۶ ق، صص ۷۱ - ۷۲، ۹۷، ۹۹، ۱۱۲، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۸۷، ۱۸۹، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۶۶؛ حلی، حسن بن علی، کتاب الرجال، به کوشش جلال‌الدین محدث، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش، ج۱؛ خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، بیروت، ۱۴۰۳ ق، ۲۵۲/۳ - ۳۵۹، ۳۶۲، ۲۵۵/۶ - ۲۶۲، ۱۴۷/۹، ۱۴۹، ۲۵۴ - ۲۵۵، ۲۶۰ - ۲۶۱، ۳۱۰ - ۳۱۲، ۱۱۳/۱ - ۱۱۴، ۱۴۱/۱، ۱۴۷/۱۳، ۱۸۱/۱۴، ۱۵۵/۱۴، ۱۱۳/۱۵؛ طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، به کوشش محمود رامیار، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۱ ش؛ قمی، عباس، فوائد الرضویة، تهران، ۱۳۲۷ ش، صص ۳۱ - ۳۲؛ موسوی اصفهانی، آقا حسین، نفات الرواة، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۸۷ ق، صص ۳۰۴ - ۳۲۲؛ نامه دانشوران، قم، دارالفکر.

آل افراسیاب، نک ایلک خانیان.

آل افریغ، نک آل عراق.

آل الیاس، سلسله‌ای از فرمانروایان ایرانی که خاستگاه آنان سغد ماوراءالنهر بود و دوران کوتاهی از ۳۱۷ تا ۳۵۷ ق / ۹۲۹ تا ۹۶۸ م برایالت کرمان فرمان‌راندند و سرانجام به دست آل بویه از میان رفتند. زمینه تاریخی: بنیادگذار این سلسله ابوعلی محمد بن الیاس از سرداران سامانیان بود. پدر او الیاس بن یسع سغدی از سوی نصر بن احمد مأموریت یافت که با ده هزار سپاهی به طبرستان رود و ابوالقاسم ناصر علوی مشهور به ناصر کبیر را که در آن ایالت شورش کرده بود، سرکوب کند. الیاس پس از مدتی جنگیدن، با ناصر آشتی کرد و طبرستان را به او سپرد، اما در راه بازگشت از ناصر خواست که گرگان

را رها کند و از آن منطقه بیرون رود و چون او بدین فرمان تن در نداد، نبرد دیگر بار میان آنان در گرفت. در این جنگ الیاس شکست خورد و کشته شد. بیش‌تر سپاهیان او از میان رفتند و برخی امان خواستند و به علویان پیوستند (ابن اسفندیار، ۲۷۱ - ۲۷۲، ۲۸۱). نام ابوعلی محمد بن الیاس، نخستین بار در شرح رویدادهای ۳۰۱ ق / ۹۱۳ م در کتابهای تاریخ به میان آمده است. در این سال پس از کشته شدن احمد بن اسماعیل سامانی، فرزند هشت ساله او نصر بن احمد به جایش نشست. گروهی از امیران و بزرگان دولت سامانی در بخارا براو شوریدند، لیکن نصر بن احمد همه این شورشها را فرو خواباند (ابن اثیر، ۷۹/۸). از جمله امیران شورشی، محمد بن الیاس بود که چون گرفتار شد، به فرمان نصر بن احمد زندانی گردید و سرانجام با میانجیگری ابوالفضل محمد بن علی بن عبدالله بلعمی وزیر آزاد شد (ابن اثیر، ۲۷۸/۸؛ غفاری، ۱۰۶). ابوعلی پس از آزادی به فرمان نصر بن احمد، همراه ابوبکر محمد بن مظفر بن محتاج، سپهسالار خراسان به گرگان رفت (ابن اثیر، ۲۷۸/۸).

در ۳۱۷ ق / ۹۲۹ م یحیی، منصور و ابراهیم برادران نصر بن احمد بر او شوریدند و در غیبت وی بخارا را گرفتند و خزاین دولتی را ضبط کردند. محمد بن الیاس هم به یحیی که رهبر شاهزادگان شورشی بود پیوست، اما پس از چندی از او جدا شد و به ماکان بن کاکي، که حامی نصر بود و امارت نیشابور را از سوی ابن محتاج سپهسالار نصر در دست داشت، پناه برد. یحیی نیز اندکی بعد به او پیوست و محمد بن الیاس پس از خروج ماکان به سوی گرگان یک چند خطبه به نام یحیی کرد. نصر در تعقیب یحیی، آهنگ نیشابور کرد و چون ابوعلی از این خبر آگاه شد، آن شهر را رها ساخت و به سوی کرمان شتافت (ابن اثیر، ۲۰۸/۸ - ۲۱۱).

فرمانروایان: از خاندان الیاس این کسان به فرمانروایی رسیدند:

۱. ابوعلی محمد بن الیاس (۳۱۷ - ۳۵۶ ق / ۹۲۹ - ۹۶۷ م). به گفته بیش‌تر مورخان، محمد بن الیاس نخستین بار در ۳۱۷ ق / ۹۲۹ م به کرمان آمد و آنجا را به زیر فرمان خویش در آورد (ابن اثیر، ۲۱۱/۸). اما درین زمینه آرای گوناگونی هست. منشی کرمانی سال ورود ابوعلی به کرمان را ۳۱۰ ق / ۹۲۲ م (ص ۱۵)، وزیر کرمانی ۳۱۵ ق / ۹۲۷ م (ص ۵۹) و اعتماد السلطنه ۳۱۸ ق / ۹۳۰ م (ص ۲۴۳) یاد کرده است. ابوعلی در ۳۲۲ ق / ۹۳۴ م از کرمان به فارس رفت و در اصطخر به یاقوت، فرمانده نیروهای خلیفه عباسی برخورد و چنان وانمود کرد که آهنگ پناه بردن به او را دارد، اما یاقوت از ترفند او آگاه شد و لشکرش را از شهر بیرون آورد و آراست. محمد بن الیاس پایداری نکرد و به کرمان بازگشت. در همین هنگام نصر بن احمد سپاهی به سرداری ماکان بن کاکي برای سرکوب ابوعلی به کرمان فرستاد. در نبردی که در گرفت، ابوعلی شکست خورد و با نیروهای خود به فارس شتافت، اما در آنجا نیز از یاقوت شکست خورد و به دینور رفت (ابن مسکویه، ۲۸۵/۱ - ۲۸۶؛ ابن اثیر، ۲۷۸/۸ - ۲۷۹). د ۳۲۳ ق /